



انتخابات ریاست جمهوری و مدیریت سیاسی کشور  
بخش آخر

اشاره:

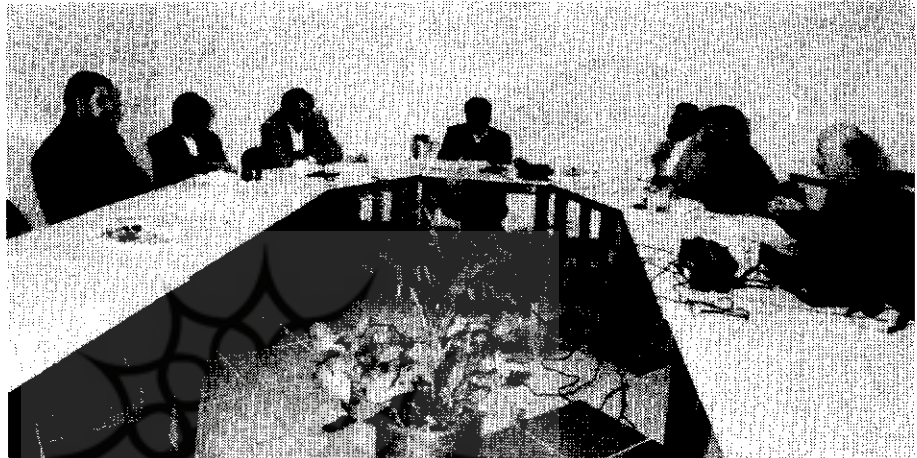
نخستین بخش این میزگرد در شماره گذشته تقدیم علاقه‌مندان شد. در آن بخش نظرات و پیشنهادهای شرکت‌کنندگان در میزگرد پیرامون ویژگی‌های رئیس‌جمهور، مفهوم مدیریت سیاسی مطلوب، رابطه بین مشروعیت و کارآمدی، نحوه گزینش مدیران بعد از انتخابات ریاست جمهوری و تاثیر انتخابات ریاست جمهوری بر فضای مدیریتی کشور ارائه شد.<sup>۱</sup>

در این بخش که دومین و آخرین بخش مباحث میزگرد را شامل می‌شود صاحب‌نظران شرکت‌کننده در بحث، دیدگاه‌های خود را در زمینه تحولات و رخ داده‌های مهم سیاسی و اقتصادی جهانی، مقتضیات روابط بین‌الملل و چگونگی موضع‌گیری دولت آینده در قبال این رویدادها بیان کرده‌اند.

همانگونه که در مقدمه بخش نخست این میزگرد اشاره شد اگرچه در این نشست سه تن با گرایش مشخص سیاسی نزدیک به طیف فکری سه تن از نامزدهای ریاست جمهوری حجج اسلام والمسلمین ناطق نوری، سیدمحمد خاتمی و ری شهری و دو تن دیگر نیز به‌عنوان کارشناس حضور دارند، ولی در عین حال نظریات مطرح شده به‌وسیله هرکدام نشانه کامل سیاست‌های یک کاندید یا جناح خاص سیاسی تلقی نمی‌شود.

با امید آنکه حاصل این‌گونه مباحث در زمینه روشن‌شدن مفهوم و مسیر مدیریت سیاسی جامعه و به‌ویژه فضای انتخابات ریاست جمهوری در کشور موثر واقع شود آخرین بخش این میزگرد از نظر تان می‌گذرد.

## ایران، شرایط جهانی و مدیریت سیاسی آینده



شرکت‌کنندگان در میزگرد:

- \* احمد پورنجاتی:  
دکترای دندانپزشکی از دانشگاه تهران، عضو شورای فرهنگ عمومی، عضو شورای انقلاب فرهنگی، قائم‌مقام رئیس صدا و سیما در امور سیما.
- \* سعید حجاریان:  
مهندس مکانیک از دانشکده فنی دانشگاه تهران، دکترای علوم سیاسی از دانشگاه تهران، معاون سیاسی مرکز تحقیقات استراتژیک.
- \* علی شکوهی: فوق‌لیسانس علوم سیاسی، محقق، نویسنده و روزنامه‌نگار.
- \* علی عباسپور: دکترای انرژی از دانشگاه برکلی کالیفرنیا، عضو هیات علمی دانشکده برق دانشگاه صنعتی شریف، معاون پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی، رئیس کمیسیون انرژی شورای پژوهش‌های علمی کشور.
- \* علی قادری: دکترای پزشکی، دارای مطالعات و تحقیقات در زمینه اندیشه‌های سیاسی معاصر، مشاور وزیر امور خارجه، مدیر موسسه پژوهش و مطالعات اجتماعی.

استکباری، خلع سلاح، حقوق بشر و تجارت جهانی از مهمترین مسائلی است که فراوری رئیس‌جمهور آینده قرار دارد. لذا پرسش اصلی این است که کاندیدای ریاست جمهوری شما اولویت‌های مهم در دستور کار نظام بین‌الملل را چه می‌داند و برای اداره این اولویت‌ها چه اقداماتی را انجام داده است؟

جمهوری اسلامی ایران زیاد باشد و به همین جهت تلقی و نگرش رئیس‌جمهوری آینده در برابر شرایط و تحولات بین‌المللی از اهمیت خاصی برخوردار است.

در حال حاضر مسایل مربوط به روابط ایران و آمریکا، مشکلات منطقه‌ای، مسایل جهان اسلام، فلسطین، توطئه‌های صهیونیستی و

تسلیم: در حوزه‌های ملی، منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای سوالات زیادی است که به‌علت محدودیت وقت و اهمیت مسایل حوزه بین‌الملل؛ سعی می‌شود پرسشها پیرامون حوزه اخیر باشد. همانگونه که همگان می‌دانند شرایط انقلابی و استثنایی کشور باعث شده است که در سطح بین‌المللی، تمرکز و حساسیت بر روی

حجاریان: سازمان ملل نظام بین الملل را شکل نمی دهد و لذا این نظام در جای مشخصی دیده نمی شود. در واقع قدرت در نظام بین الملل پراکنده است. براساس فرآیندهای عمومی این نظام می توان پیش بینی کرد که در حال گذار از وضعیت نظام دوقطبی متصلب به سوی نظام چندقطبی است.

البته شرایط سیال موجود و انعطاف زیاد دیری نخواهد پائید و ساختار نظام جدید جهانی و شکل گیری مجدد قدرت را در پیش داریم.

پیش بینی می شود در سلسله مراتب نظام جدید بین الملل قشریندیهای جدیدی بوجود آید و موقعیت هرکشوری مشخص شود.

ایجاد قدرتها و قطب های جدید درکنار، قطب های اصلی جهان، چالشهای اصلی بین المللی، پیدایش تنازعات و احتمال بازگشت به دوره های جنگ بین قدرتهای استکباری برای تقسیم غنایم بین المللی از جمله مسایلی است که در نظام بین الملل قابل پیش بینی است.

بهرحال آنچه که مسلم و روشن است این نکته است که هرمی از قدرت در کل نظام بین المللی در حال شکل گیری است و در راس هرم، قدرتهای اصلی برندگان جنگ سرد قرار خواهند داشت. در سطوح پایین تر قدرتهای منطقه ای خواهند بود و کشورهای جهان سوم سابق احتمالاً بیشتر به پیرامون رانده خواهند شد. آمار و ارقام نشان می دهد که فاصله بین فقرا و اغنیاء در سطح بین المللی در حال گسترش است و دنیا اشکال جدیدی از فقر، ناداری و عقب ماندگی را تجربه خواهد کرد. مظاهر سیاسی این فقر اکنون در جریان جنگ و درگیریها در افریقا مشهود است.

به اعتقاد من نظام سلسله مراتبی که براساس آن نظریه پردازان نظام جهانی قایل به کشورهای مرکز، شبه پیرامون و پیرامون هستند کماکان ویژگی دوره آینده خواهد بود. در آن صورت باید روشن شود که در این نظام سلسله مراتبی جهان، جمهوری اسلامی ایران چه جایگاهی را بدست خواهد آورد.

**پورنجاتی:** به اعتقاد من باتوجه به رویکرد کلی انقلاب اسلامی ایران که بهرحال حوزه های مهم چالش را در مقاطعی تعیین کرده و در بعضی از حوزه ها تاثیر مهمی برجای گذاشته هرگز نمی تواند فارغ از یک رویکرد مستمر و بزرگ بین المللی و حضور فعال در فرایند تقسیم قدرت بین المللی که همان حضور در مدیریت نظام

بین الملل است، باشد.

**من معتقدم ما در عرصه نظام بین المللی باید آرمانی هدف گیری کرده و واقعی عمل کنیم.** بااین طرز تفکر ما باید حوزه های تاثیرگذار در نظم جدید بین المللی را پیدا کنیم. مسایلی مانند حقوق بشر، تقسیم کار بین المللی و خلع سلاح از مسایلی هستند که مورد توجه نظم جهانی است و به نوعی به رفتار سیاسی نظام ما نیز مربوط می شود.

این تعبیر که گفته می شود اکنون دوره «ایران، ایران» است را بنده قبول ندارم شاید بعضی خواسته اند با طرح این تعبیر آنرا در عمل نیز بیازمایند. از قضا هروقت که تصمیم گرفته اند این تئوری در سطح بین المللی محک بخورد از سوی طرف های مقابل آرمان های ایران محک زده می شود. و نهایتاً یک موضع گیری آرمانی از سوی مراجع مشروعیت نظام باعث شده که تمام این مقدمه چینی ها بهم بخورد.

به اعتقاد من حضور فعال جمهوری اسلامی ایران در عرصه بین الملل می بایست به عنوان یک اصل استراتژیک مورد توجه مدیریت اجرایی و سیاسی کشور قرار گیرد. ما باید در فرآیندهای مختلف تصمیم گیری و مدیریت نظام بین المللی حتی اگر مساله ای اختصاصی جامعه ما نیست حضور پیدا کرده و در حد توان و مقدرات خود سخن گفته و موضع گیری کنیم. بااین پیش فرض، ما باید جهش و خیزبندی در عرصه ارتباطات بین المللی برداریم. در حالیکه اکنون این چنین نیستیم و بجز مواردی که به اقتضای ویژگیهای ایدئولوژی نظاممان در عرصه مسایل بین المللی جدی گرفته می شویم کمتر ابتکار عمل داریم و به همین دلیل گاهی در صحنه سیاست دچار واگمتهای سیاسی می شویم که برانزده نظام اسلامی ما نیست.

**عباسپور:** من معتقدم چند موضوع در دستور کار نظام بین الملل قرار دارد. قانون تعرفه و تجارت جهانی، یکی از این موضوعات است. لذا در آینده حرکت های اقتصادی ما باید این قانون را که بزودی در دنیا اجرا می شود مورد توجه قرار دهد.

مساله دیگری که به تصویب رسیده منشور ریو است و کشورهای غربی تلاش زیادی برای به اجرا درآوردن آن منشور می کنند که در این منشور مساله توسعه پایدار مطرح است. لذا باید به این موضوع توجه کرد به خصوص از این جهت که ما یک کشور صادرکننده نفت و تولیدکننده

انرژی هستیم و مسایلی که به عنوان توسعه پایدار و حفظ محیط زیست در این منشور عنوان شده برای کشور ما محدودیتهایی ایجاد خواهد کرد. مساله مهم دیگر گسترش سیستم ارتباطات، مخابرات و اطلاع رسانی است. از آنجا که ما یک کشور اسلامی با فرهنگ اسلامی هستیم قطعاً این امر باید مورد توجه جدی قرار گیرد. در این مورد تصویب قانون منع استفاده ماهواره بیشتر یک مسکن بود تا راه حل. مساله دهکده جهانی و سوق دادن جهان به سوی فرهنگ خاص مورد نظر غرب، مسئولان اجرایی کشور را وامی دارد که درباره حفظ فرهنگ اسلامی کشور برنامه ریزی دقیق تری بنمایند.

**یکی دیگر از نکات محوری، موضوع اتحادیه های منطقه ای نظامی است که به اتحادیه های منطقه ای اقتصادی تبدیل می شوند.** ما به عنوان یک کشور اسلامی و در نهایت کشوری که می تواند کشورهای اسلامی را هماهنگ کند باید توجه خاصی به این اتحادیه ها داشته باشیم. ما باید ضمن اینکه روابط اقتصادی خود را با سایر اتحادیه های منطقه ای اقتصادی در جهان تنظیم و حفظ کنیم بایستی در تشکیل اتحادیه های اقتصادی قوی اسلامی بکوشیم. این موارد نکات مهمی است که انشاءالله باید در روابط بین المللی و فرامنطقه ای ما مدنظر مسئولان اجرایی دولت آینده قرار گیرد.

**قادری:** نظام بین الملل از لحاظ سخت افزاری دارای چهار عنصر است. حال آنکه در گذشته های دورتر فقط دو عنصر «کشورها» و «نخبگان» عناصر اصلی نظام بین الملل بود و اکنون «سازمانهای بین المللی» و «شرکت های چند ملیتی» با هویت نسبتاً مستقل خود دو عنصر دیگر آن تلقی می شود.

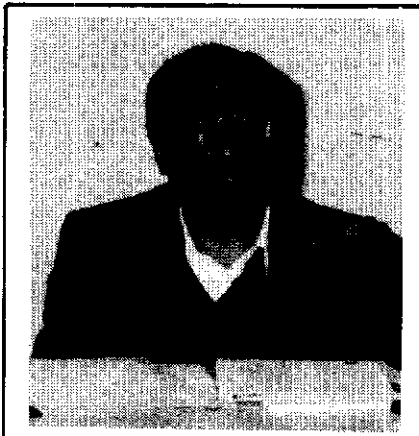
هنوز بسیاری از سیاستمداران سنتی باور ندارند که عناصر اصلی نظام بین الملل دارای هویت مستقل است و همین امر باعث می شود هم در شناخت دقیق نظام بین الملل دچار مشکل شوند و هم در تحلیل ها و سیاست گذاری ها به بیراهه بروند.

**وجود چهار عنصر مختلف به عنوان عناصر اصلی نظام بین الملل و عملکرد پیچیده این عناصر ترکیبی را بوجود آورده که جهان را از لحاظ قطب بندی دگرگون کرده و نظمی را شکل داده که من آن را «نظم سیال» می نامم.** در این نظم سیال هم اکنون چهار موضوع در دستور کار قرار گرفته که توجه جدی به این چهار موضوع

اجتناب‌ناپذیر می‌نماید. اولین مسئله «حقوق بشر» است. اینکه حقوق بشری که فعلاً مطرح می‌باشد چه ماهیتی دارد؟ یک بحث جدی فلسفی، حقوقی، مذهبی، فرهنگی و سیاسی است و هر کشوری به‌قدر توانایی و استعداد علمی خود می‌تواند مقولات زیر مجموعه‌ای آن‌را مبتنی بر ارزش‌های اعتقادی خود تحت‌تأثیر قرار دهد.

دومین موضوع محیط زیست است. محیط‌زیست برای عده‌ای یک سرگرمی و اشتغال جدید است ولی غالباً بیش از سرگرمی تعقیب می‌شود. بعضی شرکت‌های چندملیتی، مسائل محیط زیستی را به جهت نوکردن تکنولوژی و یافتن بازارهای جدید تعقیب می‌کنند ولی به‌هرحال مسئله‌ای است که ابعاد مختلف یافته و جزو موضوعات اصلی نظام بین‌الملل قرار گرفته است. شاید مقوله محیط زیست شکاف بین کشورهای ثروتمند و فقیر را بیشتر کند. مثلاً تولید انبوه سلول‌های خورشیدی به‌عنوان وسیله دریافت «انرژی پاک» در بحث سالم‌سازی محیط‌زیست با نفت رقابت جدی خواهد کرد و قیمت نفت را به‌عنوان انرژی کاهش خواهد داد. لذا جدی‌شدن بحث محیط زیست ایجاب می‌کند که کشورهای تولیدکننده نفت خام از هم‌اکنون به فکر تولید فرآورده‌های پتروشیمی باشند والا در دهه آتی با مشکل جدی مواجه خواهند شد.

سومین موضوع مسئله خلع سلاح است. در نظم گذشته تولید سلاح‌های هسته‌ای تعیین‌کننده میزان قدرت نظامی و بدتبع آن قدرت سیاسی بود ولی در حال حاضر چنین نیست و تولید این سلاحها در بافت قدرت تأثیر عمده‌ای ندارد و در بعضی موارد کاملاً ضد قدرت عمل می‌کند. بالاخص در بخش اقتصاد که سرمایه ملی صرف چیزی می‌شود که نه خاصیت بکارگیری دارد و نه خاصیت تهدید. براین اساس من معتقدم که در نظم فعلی اصولاً سلاح هسته‌ای از مراودات استراتژیک خارج شده و نحوه خلع سلاح است که یک مقوله استراتژیکی می‌باشد. البته ممکن است خلاصه بین سلاحهای کلاسیک و سلاح هسته‌ای را انواع سلاحهای کشتار جمعی دیگر مانند شیمیایی و میکروبی پرکنند که البته در موضوع خلع سلاح این موارد نیز بشدت مطرح است ولی شاید سلاحهای الکترونیکی و سلاحهایی که هنوز رو نشده‌اند سلاحهای استراتژیک تلقی شوند. به‌هرصورت در نظم



عباسپور:

\* ما به‌عنوان یک کشور اسلامی و در نهایت کشوری که می‌تواند کشورهای اسلامی را هماهنگ کند باید توجه خاصی به اتحادیه‌های منطقه‌ای اقتصادی داشته باشیم.

\* یکی از نقاط ضعف حرکت‌های فعلی ما این است که بدنه اجرایی دولت همگون عمل نمی‌کند. اگر قرار است سیاست مقتدری در عرصه بین‌المللی داشته باشیم قطعاً همه ارکان دولت باید بطور هماهنگ حرکت کنند.

\* ما ضمن اینکه روابط اقتصادی خود را با سایر اتحادیه‌های منطقه‌ای اقتصادی در جهان تنظیم و حفظ می‌کنیم، بایستی در تشکیل اتحادیه‌های اقتصادی قوی اسلامی بکوشیم.

\* در شرایط فعلی، من نظام بدون قطب را مفید می‌دانم، ولی در شرایط نهایی امیدوارم نظام یک قطبی داشته باشیم که تنها قطب آن‌را جهان اسلام و ایران تشکیل می‌دهد.

فعلی سیاستگذاری‌های دفاعی باید در غیاب سلاحهای هسته‌ای صورت بگیرد و این برنامه دفاعی را از جهتی پیچیده‌تر و از جهتی ارزان‌تر می‌کند.

چهارمین موضوع اصلی، مقوله تجارت جهانی است. توجه به تقسیم کار در تجارت جهانی عوامل مختلفی دارد ولی شرکت‌های چند ملیتی بیشترین تأثیر را در مطرح‌شدن آن به‌عنده

داشته‌اند. اینکه آیا هر کشوری بطور فعال یا متغیر در این مسئله حضور می‌یابد از موارد مهمی است که رئیس جمهور آتی باید با ارائه برنامه‌ای متناسب تکلیف خود را با این مسئله روشن کند. اگر بتواند مبتکرانه سهم کشور را در تجارت جهانی افزایش دهد، رئیس جمهور موفقی خواهد بود والا کشور یک پسرقت هولناک خواهد داشت.

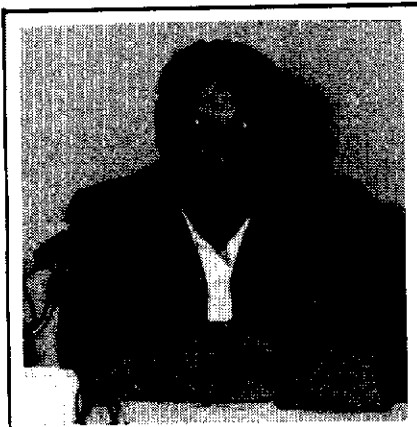
لازم است در همین‌جا عرض کنم که اصولاً کشورها در آستانه نظم جدید می‌توانند سهم واقعی خود را دریافت دارند والا وقتی نظم شکل بگیرد کشورهایی که در شکل‌گیری نظم جدید غافل بوده‌اند کمترین سهم بازی را خواهند داشت. البته این سخن با نظم سیال، ظاهری تناقض دارد ولی باطناً چنین نیست، زیرا نظم سیال اصلاً به‌معنای بی‌نظمی نیست بلکه دقیقاً به‌معنای آن است که متصلب نیست و شکنندگی سابق را ندارد و نیز از قوانین سیال‌ها متابعت می‌کند. به‌تعبیر دیگر هر مسئله در هر کجای جهان اتفاق بیفتد موضوعات مختلف را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد و به همگان مرتبط می‌شود.

باچنین نگرشی هر موضوعی که در صحنه بین‌الملل مطرح شود به نحوی به چهارعنصر سخت‌افزاری نظام بین‌الملل ربط اولیه و بالذات دارد و یا به‌تبع و بطور ثانوی مرتبط می‌گردد. وجود و عملکرد این عناصر به‌گونه‌ای است که تقریباً تمام مسائل داخلی یک نظام را روی میز تشریح می‌برد و در عین حال تمام زوایای سیاست را شیشه‌ای و بلورین می‌کند به نحوی که در مقام پاسخگویی به این سوال که چه چیز به نظام بین‌الملل مرتبط است؟ باید پرسید چه چیز مرتبط نیست؟

چهار موضوعی که به‌عنوان موضوعات اصلی نظام بین‌الملل نام بردم موضوعات اصلی است ولی موضوعات حاشیه‌ای دیگری نظیر مبارزه با تروریسم، مبارزه با قاچاق، توسعه، بهره‌وری از اوقات فراغت، مسئله بیکاری و قس علی‌هذا نیز وجود دارد که بعضاً استعداد آن را دارند که در سالهای آتی جزو موضوعات اصلی قلمداد شوند.

با چنین پیش‌فرضی انتخاب یک رئیس جمهور که با رای یک ملت عهده‌دار مسائل اجرایی یک کشور می‌شود از دو جهت مسئله‌ای صرفاً داخلی نیست و به نحوی به همه جهان و به نظم فعلی ارتباط مستقیم و غیرمستقیم

می‌یابد. اینکه هیچ کشوری حق ندارد در چنین امری در امور داخلی دیگران دخالت کند یک اصل حقوقی است ولی اینکه انتخاب یک رئیس جمهور فقط یک امر داخلی نیست از آن جهت امری بدیهی است که سیاست خارجی و داخلی در بسیاری از امور آمیزشی غیرقابل تفکیک یافته و حاکمیت به معنای سنتی آن دیگر وجود ندارد. وقتی حقوق بشر در دستور کار قرار گرفته، رئیس جمهور به عنوان رئیس قوه مجریه از سویی باید در قبال شهروندان خود نسبت به این موضوع پاسخگو باشد و از سوی دیگر نسبت به سازمانهای بین‌المللی دولتی و غیردولتی تعهداتی دارد. البته اینکه منفعلانه در مقابل حقوق بشر عمل شود بدترین حالت ممکن است و نحوه برخورد فعال با چنین امری تلاش و کار علمی و عملی بسیار می‌خواهد تا بسیاری از ارزش‌های دینی در این زمینه نهادی شود و به گمان من نظم فعلی ظرفیت پذیرش حرفهای جدید را در این زمینه دارد. در سه مسئله دیگر نیز موضع‌گیری‌های انفعالی کشور را بانزوا روبرو می‌کند. و اما وجه دوم اینکه انتخاب رئیس جمهور دیگر یک مسئله صرفاً داخلی نیست از این جهت است که حوزه بازی رئیس قوه مجریه فقط حوزه داخلی نیست و رفتار و عملکرد او تا حدودی در سیاست جهانی تاثیر می‌گذارد و متقابلاً شخصیت او موجب اعتبار بین‌المللی یا بی‌اعتباری می‌شود. در کشورهایی که مردم به برنامه رای می‌دهند، شخصیت رئیس قوه مجریه در لابلای برنامه گم می‌شود ولی در کشورهای که شخصیت رئیس قوه مجریه نسبت به برنامه‌هایش تبلور بیشتر دارد حساسیت جهانی نسبت به او بیشتر است و این حساسیت‌ها در منطقه و بلوک‌بندی‌ها بیشتر نمود دارد. در کشور ما انتخاب رئیس قوه مجریه در سرنوشت بسیاری از کشورهای منطقه تاثیر عمده دارد به نحوی که آنها نمی‌توانند آن را یک مسئله کاملاً داخلی تلقی کنند و این کشورها هم از میان کشورهای معارض است و هم از سوی کشورهای دوست. کشورهای نواستقلال خوب می‌دانند که شخصیت و اقتدار رئیس جمهور ایران اسلامی در توسعه منطقه‌ای چه تاثیری دارد. اسرائیلی‌ها نیز بخوبی می‌دانند که رئیس جمهور ایران اگر مقتدر و محبوب باشد در روند سازش چه مقدار موثر خواهد بود. به هر حال رئیس جمهور آتی باید نظم فعلی و مناصر آن و مسائل اصلی این نظم را بخوبی



### حجاریان:

**\* قدرت در نظام بین‌الملل پراکنده است و براساس فرآیندهای عمومی این نظام می‌توان پیش‌بینی کرد که در حال گذار از وضعیت نظام دوقطبی متصلب به سوی نظام چندقطبی است.**

**\* به اعتقاد من حل مسایل سیاست خارجی ما به ظرفیت‌هایی احتیاج دارد که جز با نظام شایسته سالاری امکان توسعه این ظرفیت‌ها وجود ندارد.**

**\* ما در نظام بین‌المللی تناسب مدعا و دلیل و تناسب هدف و وسیله را رعایت نمی‌کنیم.**

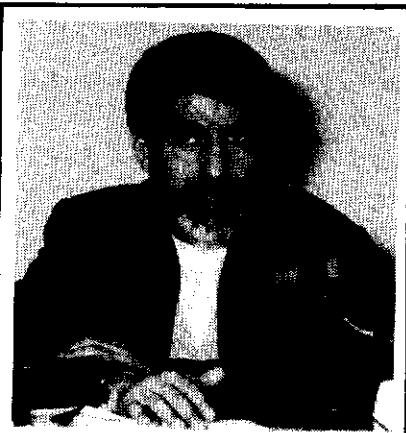
**\* مشکل ما این است که در سیاست خارجی برای شعارهایی که مطرح کرده‌ایم ابزارهای لازم را فراهم نیاورده‌ایم.**

**\* مشکلات و مسایلی از قبیل مناسبات با همسایگان، چگونگی برخورد با ائتلاف‌های منطقه‌ای، قضیه مذاکرات خاورمیانه، مساله تروریسم، حقوق بشر و نحوه رابطه با اروپا و امریکا از مسایل مهم سیاست خارجی ماست که تاکنون حل نشده است.**

بشناسد تا بتواند برنامه‌های خود را با واقعیت‌ها منطبق کند و به سوی مطلوب گام بردارد و در صحنه بین‌الملل بازی فعال و موثر داشته باشد و از دگرسو باید به عنوان یک شخصیت سوار بر کار و کارآمد از سوی نخبگان و سازمانهای بین‌المللی مورد شناسایی قرار گیرد. بالاخص نهضت‌های دینی و اعتقادی که روزافزون می‌شوند او را از خود بدانند.

از سوی دیگر مسئله‌ای که نباید فراموش کرد نهضت اسلامی ایران براساس اعتقادات دینی شکل گرفت و هدایت شد و به پیروزی رسید و اگر بخواهد اسلامی عمل کند نمی‌تواند از اصول خود عدول نماید و اصولی که بر سیاست خارجی حاکم است یا تحقیقی که انجام داده‌ام سه اصل «دعوت»، «نفی سبیل» و «حفظ دارالاسلام» را در سرلوحه خود دارد. رعایت بخشی از این اصول فارغ از برنامه‌های اجرایی رئیس جمهور است و بازگشتی به کل نظام دارد و بخشی از آن باید بصورت برنامه اجرایی تدوین شود و در دستور کار قرار گیرد. به اعتقاد من در اصل دعوت توفیق نظام این بوده که نتوانسته مسائل مطرح در نظام گذشته را تغییر دهد چرا که سه موضوع حقوق بشر، محیط زیست و خلع سلاح بطور غیرمستقیم تا حدودی متأثر از انقلاب اسلامی ایران توانسته خود را تا مقولات اصلی نظام بین‌الملل بالا بکشد ولی عرض می‌کنم بطور غیرمستقیم زیرا به جز حضرت امام (ره) کسی نسبت به اصل دعوت تا این حد استراتژیک نمی‌اندیشیده است. در اصل نفی سبیل که شعار نه شرقی نه غربی از آن بیرون آمده نیز در بعضی زمینه‌های سیاسی توفیق حاصل شده ولی در بعضی زمینه‌ها توفیقی نداشته‌ایم. اگر یکی از مصادیق نفی سبیل را تهاجم به تهاجم فرهنگی بدانیم، دولت آتی باید برای این تهاجم برنامه داشته باشد و اگر هوشیار باشد و جهان هنر و سیاست و فلسفه را بشناسد بی‌گمان بخش ایجابی برنامه‌هایش نسبت به تهاجم فرهنگی بسیار بیشتر از بخش سلبی آن خواهد بود. مثلاً به جای نفی اینترنت و محروم کردن جامعه علمی از این امکان به پربارتر کردن آن خواهد اندیشید. در زمینه حفظ دارالاسلام بحث کمی فنی‌تر است و فرصت بیشتری را می‌طلبد اجمالاً اینکه دفاع از سرزمین‌های اسلامی فراتر از مقوله منافع ملی است البته ناقض آن نیست و منافع ملی را در دل خود دارد لذا حساسیت فوق‌العاده‌ای باید از سوی نظام اسلامی نسبت تمام سرزمین‌های اسلامی وجود داشته باشد و علاوه بر حفظ طول و عرض آنها نباید نسبت به غارت منابع آنها نیز بی‌تفاوت بود. شاید بی‌پروایی باشد گفتن این سخن که: اگر دولتی منافع ملی را درک نکند اصلاً دولت نیست و نیز دولتی که فراتر از منافع ملی حفظ دارالاسلام را در نیابد دولت اسلامی نیست. لذا از دولت آتی انتظار می‌رود برای اسلامی‌تر شدن سیاست خارجی، حفظ دارالاسلام را در





### پورنجاتی:

\* ما در عرصه نظام بین‌المللی باید آرمانی هدف‌گیری کرده و واقعی عمل کنیم.

\* حضور فعال جمهوری اسلامی ایران در عرصه بین‌المللی می‌بایست به‌عنوان یک اصل استراتژیک مورد توجه مدیریت اجرایی و سیاسی کشور قرار گیرد.

\* اگر بخواهیم واقع‌گرایانه با نظم سیال برخورد کنیم می‌توانیم بیشتر استراتژی حضور موثر خود را دنبال کنیم.

\* پست مدرنیسم مساله‌ای است که می‌تواند یک حوزه جدی برای گفتگو پیرامون اندیشه‌های انقلابی، اعتقادی و معنوی باشد.

\* پیشنهاد ما این است که در مناسبات بین‌المللی، گرایش فرافکنی و به‌تعبیر دیگر جای خالی دادن را مورد توجه قرار دهیم تا بقای موثر خودمان را برای رسیدن به مرز مطلوب آرمانی محفوظ نگاه داریم.

برای آن بحران‌آفرینی متفاوت سیاسی، اعتقادی و فرهنگی نکنیم، نمی‌توانیم حق خودمان را بگیریم. این نگرش باید بر سیاستمداران ما حاکم شود. البته اقتضای این امر هرگز نفی رابطه با دولتها و ایجاد تنش‌های صوری نیست. اتفاقاً ممکن است برای به‌تاخیرانداختن رویارویی با دشمنانمان با دولتها هم رابطه برقرار کنیم. ما باید دفع‌الوقت فعال داشته باشیم یعنی زمان درگیری

تئوریک، یک تفاوت کلی بسین آرمانهای ایدئولوژیک و ملی دیده می‌شود و این همان مرزی است که بین نوع نگاه ما به مسایل جهانی، با نوع نگاه خیلی از کشورها وجود دارد.

در این قضایا، دولت اسلامی بنای خودش را باید بر این بگذارد که نگاه عمده‌اش، به بیرون باشد نه درون. اگر کشوری تصور کند که می‌تواند مسایل و مشکلات خودش را در این نظام ظالمانه حاکم بر دنیا حل و فصل نماید یعنی کلیت نظام جهانی را بپذیرد و تعارض خود را فقط با اجزای این نظام جهانی قرار دهد، اشتباه می‌کند.

معمولاً در عرصه اقتصاد، بین کشورها، تعارضاتی وجود دارد. این شکافها و تعارضات، منفذهایی را ایجاد می‌کند که تنفس ما را در این نظام سیاسی امکان‌پذیر می‌کند. یعنی ما می‌توانیم با آمریکا دشمنی کنیم و امیدوار باشیم که با ایجاد رابطه با اروپا، ژاپن، چین و روسیه، بخشی از معضلات خود را حل کنیم. اما در مسایل آرمانی و اعتقادی، کلیت جهان غرب یعنی اروپا، ژاپن و آمریکا با ما درگیر هستند. دیر یا زود در مورد انقلاب اسلامی یک توافق بین کلیت نظام غرب بوجود خواهد آمد. بنابراین ما باید تکیه خود را از دولتها بصورت استراتژیک برداشته و برملتها و جنبش‌های اسلامی قرار بدهیم و در نتیجه تکلیف ما این است که به بسط آرمانهای دینی بپردازیم. در قسمت دولتها با توجه به ائتلافی که ممکن است علیه انقلاب ما صورت بگیرد، در عرصه‌های متفاوت باید به نوعی دفع‌الوقت فعال و نه انفعالی دست بزنیم. یعنی رویارویی ما با آمریکا ممکن است رخ دهد اما ما باید آن را با برخورد‌های سنجیده و عقلایی به‌تأخیر بیندازیم. یا وحدت بین بلوک غرب علیه نظام جمهوری اسلامی ایران در قضیه حقوق بشر ممکن است علیه ما به یک توافق جهانی برسند ولی بهتر است ما در این مورد با روشهایی از خود دفاع کرده و موضع آنها را زیر سؤال ببریم و خود را در جرگه ناقضان حقوق بشر قرار ندهیم. در واقع ما باید به‌گونه‌ای عمل کنیم که در قضیه تروریسم و تسلیحات و حقوق بشر، هرگز بهانه‌ای بدست آنها نینفتد.

بنابراین برخورد ما در سطح جهانی باید بانگاه به بیرون و توجه به آرمانهای جهانی انقلاب اسلامی در حد ممکن و توجه به منافع خاص ملی، در حد ضرورت باشد. طبیعی است اما نظام جهانی را نلرزانیم و

تمامی شقوق آن مورد توجه قرار دهد و برای دفاع از سرزمین‌های اسلامی که یکی از مصادیق آن مسئله سرزمین‌های اشغالی است با جامع‌نگری کامل و البته با تانی و دقت دست بکار برنامه‌ریزی شود البته بدیهی است برای چنین مهمی باید تمام نیروهای فکری و علمی کشور را به حوزه مشارکت فعال بکشد.

شکوهی: تحلیل بنده هم از وضعیت موجود نظام جهانی همان است که آقای حجازیان به‌آن اشاره کردند. یعنی در حال حاضر، دوران گذار را طی می‌کنیم و نظم جدیدی می‌خواهد شکل بگیرد و هر کسی تلاش می‌کند در این نظم، جایگاه محکم‌تری برای خودش دست‌وپا بکند. در این تعارض جدید باید حوزه‌بندی کرد. در حوزه اقتصاد قاعدتاً ما قدرت چانه‌زنی بالایی نداریم و رقابت عمده بین اروپا، ژاپن و آمریکاست. اما در حوزه سیاست و مباحث ایدئولوژیک و اعتقادی در یک طرف، غرب و سرمایه‌داری به رهبری آمریکا قرار دارد و در یک طرف دیگر جهان اسلام به‌رهبری جمهوری اسلامی ایران. در این عرصه، تمامیت فرهنگ غرب و تمامیت اسلام با یکدیگر در تعارض هستند.

در جهان معاصر، از‌نظر سیاسی، این جمهوری اسلامی ایران است که شعارهایی را علیه غرب و سرمایه‌داری مطرح می‌کند که مشخصاً علیه منافع آمریکاست. بنابراین تعارض سیاسی عمده دنیا در جبهه‌بندی تازه‌ای است که انقلاب اسلامی به‌رهبری ایران در یک طرف و آمریکا و صهیونیسم در طرف دیگر آن قرار دارند. بقیه مسایل کنونی دنیا در ظل این موضوع عمده باید تحلیل شوند. همه مسایل مربوط به تروریسم، حقوق بشر و امثال آن در پرتو آن تعارض اصلی قرار دارند. البته برخی از مسایل مانند محیط زیست و خلع سلاح چون کلیت بشر را تهدید می‌کند، دغدغه ذهنی همه جوامع است.

واقعیت قضیه این است که انقلاب اسلامی برخلاف بسیاری از کشورها که فقط به آرمانهای ملی توجه دارند، آرمانهایی دارد که بیرون از مرز ملی‌اش تعریف می‌شوند و شاید بتوان این آرمانها را اهداف انقلابی و ایدئولوژیک نام‌گذاری کرد. ایران تنها کشوری است که انقلاب اسلامی در آن به‌صورت بالفعل تحقق پیدا کرده و به پیروزی رسیده است و لذا شاید بتوان این دو اهداف را در ایران باهم گره زد. اما از نظر

را به تاخیر بیندازیم و در عین حال از فرصت‌ها، خوب استفاده کنیم.

**حسجاریان:** از بحث‌هایی که صورت گرفت می‌توان چنین برداشت کرد که ما در کل نظام بین‌المللی فرایندهای روبه همگرایی داریم. پیمانهای جدید، ائتلافهای منطقه‌ای، بازارهای منطقه‌ای و تقسیم کار جدید جهانی در واقع گرایش‌هایی است که باعث ادغام نظام جهانی می‌شود. از طرف دیگر با فرایندهای واگرا هم روبرو هستیم.

در نظام بین‌المللی چالشها و جنگ‌های منطقه‌ای به‌خصوص برای پرکردن خلاء قدرت شکل می‌گیرد. قدرتی به نام اتحاد شوروی و اقمارش از بین رفته و خلاء ایجاد شده است. قدرتهای مختلف سرگرم پرکردن این خلاء هستند و بر سر آن منازعات طولانی درگرفته است. این‌گونه منازعات و درگیریهای جدید را می‌توان در شبه‌جزیره بالکان، خاورمیانه و آفریقا مشاهده کرد. تقسیم مجدد کار جهانی، پرکردن خلاء جدید قدرت در تقسیم حوزه‌های قدرت و پیدا کردن حیات خلوت برای قطب‌های قدرت در دنیا موجب ایجاد این چالشها شده است. در قبال فعالیت‌های روبه واگرایی در نظام سیاست بین‌المللی تهدیدهایی متوجه ماست. هر کشوری باید این دو فرآیند را همیشه مدنظر داشته باشد و ضمن جذب فرصتها، تهدیدها را نیز دفع نماید. به‌رحال سیاست خارجی هر کشوری را جلب خیر و دفع ضرر تشکیل می‌دهد. در تقسیم کاری که در سیاست خارجی کشورمان صورت گرفت نوعی تقسیم‌بندی سیاست فرآپایه و فروپایه انجام شده و تهدیدها اساساً به‌عهد حوزه‌ای که در اختیار رهبری است قرار گرفته است. اما کسب فرصتها در حوزه کار ریاست جمهوری و دستگاه‌های دولتی قرار می‌گیرد. کسب فرصتها بدین منظور صورت می‌گیرد که در نظام سلسله مراتبی و رتبه‌بندی شده جهانی ما خود را کم‌وبیش از یک کشور پیرامونی به یک کشور شبه پیرامونی و سرانجام به یک وضعیت مرکزی در جهان ارتقا دهیم. و این امر با پذیرش منطق سلسله مراتبی امکان‌پذیر است. البته گرایش دیگری هم در نظام جمهوری اسلامی ایران وجود دارد که انقلاب اسلامی را شروع یک انقلاب و برهم‌زننده نظم موجود جهانی می‌داند و هرگونه نظام قشربندی شده و سلطه‌پذیری را نفی می‌کند.

یکی از مشکلات سیاست خارجی ما این

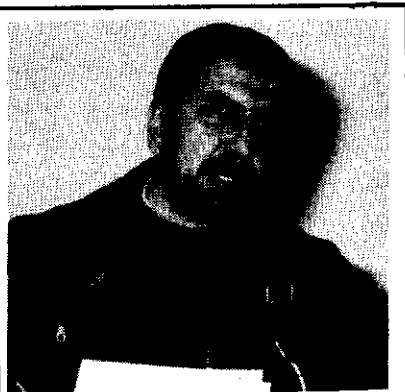
است که می‌خواهیم آرمانها را بلافاصله وصول کنیم. ما در نظام بین‌المللی تناسب مدعا و دلیل و تناسب هدف و وسیله را رعایت نمی‌کنیم. وقتی مدعا با دلیل هم‌خوانی نداشته باشد. هم‌چنین هدف و وسیله با یکدیگر مطابقت نداشته باشد گرفتاری‌ها آغاز می‌شود. مشکل ما این است که در سیاست خارجی برای شعارهایی که مطرح کرده‌ایم ابزارهای لازم را فراهم نیاورده‌ایم. البته این نکته را هم باید یادآور شوم که شعارها و آرمانهای کلان خود را تغییر دهیم.

بعضی از آرمانها متعلق به دولت موعود ماست. ما اگر بپذیریم که یک دولت دوران‌گذار هستیم در آن صورت شعارهای این دولت با شعارهایی که بر پرچم دولت موعود نقش بسته است تفاوت پیدا می‌کند. شاید لازم باشد سلسله مراتب ارزشها و آرمانهای خود را تعیین و اولین منزلتهای خود را مشخص کنیم البته با سمت‌گیری معطوف به آرمانهای دور. و صد البته متناسب با شعارهای خود، ابزارهای لازم را هم فراهم کنیم. این سخن درستی است که گفته شد در نظام بین‌الملل موضوعات مهم و فراوانی وجود دارد ولی علاوه بر این موضوعات، مسایل فوری و مبرم‌تری برای کشور ما مطرح است.

مشکلات و مسایلی از قبیل مناسبات با همسایگان، چگونگی برخورد با ائتلافهای منطقه‌ای، قضیه مذاکرات خاورمیانه، مساله تروریسم، حقوق بشر و نحوه رابطه با اروپا و آمریکا از مسایل مهم سیاست خارجی ماست که تاکنون حل نشده و دولت فعلی در شرایطی قدرت را واگذار می‌کند که این مشکلات را به‌عنوان میراث برای دولت‌های بعدی باقی گذاشته است.

به‌استفاد من حل تمام این مسایل به ظرفیت‌هایی احتیاج دارد که جز با نظام شایسته سالاری امکان توسعه این ظرفیت‌ها وجود ندارد. دستگاه‌های مسئول و متولی سیاست خارجی کشور، فاصله زیادی با نظام شایسته سالاری دارند و با این دستگاهها نمی‌توان چنین مشکلاتی را حل کرد.

**تدبیر:** در نظام بین‌الملل، فرایند دیگری به‌نام سناریوی نظم در حال شکل‌گیری است. خاستگاه این سناریوها، منافع ملی و امنیت ملی است و کشورها سعی می‌کنند تحولات به‌گونه‌ای تحقق پیدا کند که بیشترین منافع را برای آنها داشته باشد. براساس طبقه‌بندی که انجام شده حدود هشت سناریو مطرح است. سناریوی



### شکوهی:

\* **تعارض سیاسی عمده دنیا در جنبه‌بندی تازه‌ای است که انقلاب اسلامی به رهبری ایران در یک طرف و آمریکا و صهیونیسم در طرف دیگر آن قرار دارند.**

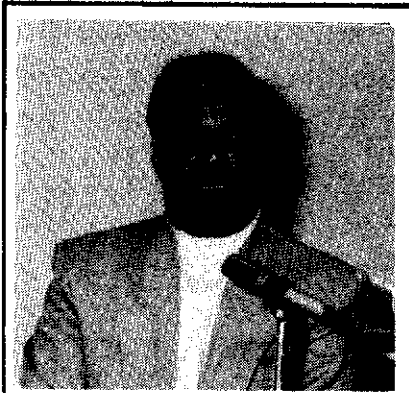
\* **ما باید تکیه خود را از دولتها به‌صورت استراتژیک برداشته و بر ملتها و جنبش‌های اسلامی قرار بدهیم و به بسط آرمانهای دینی بپردازیم.**

\* **برخورد ما در سطح جهانی باید با نگاه به بیرون و توجه به آرمانهای جهانی انقلاب اسلامی در حد ممکن و توجه به منافع خاص ملی، در حد ضرورت باشد.**

\* **علت اینکه ما در بسیاری از مذاکرات (خارجی) موفق نمی‌شویم آن است که حاضر نیستیم به شعارها و آرمانهای اصلی ما کمترین صدمه‌ای وارد شود.**

\* **با استفاده از اهرم اقتصادی می‌توان از میزان دشمنی‌ها کاست، ولی اعتقاد ندارم که با این شیوه بتوانیم جایگاه بسیار برجسته‌ای در نظم که در حال شکل‌گرفتن است برای کشور خود ایجاد نماییم.**

مطلوب آمریکا، نظم تک‌قطبی است در حالیکه برای اروپا سناریوی مطلوب، نظم چندقطبی (بلوک‌بندی سیاسی) است. هم‌چنین برای خاور دور نظم موردنظر پراکندگی قدرت است. نظریه دیگری بنام نظم سیال وجود دارد که نظریه آقای دکتر قادری است. حال پرسش این است که کدام سناریو مطرح است و کدام سناریو برای جمهوری اسلامی ایران مطلوبتر و عملی‌تر می‌باشد.



### قادری:

\* نظام بین‌الملل از لحاظ سخت‌افزاری دارای چهار عنصر است؛ کشورها، نخبگان، سازمانهای بین‌المللی و شرکت‌های چندملیتی که هریک دارای هویت مستقلی هستند.

\* وجود چهار عنصر مختلف به‌عنوان عناصر اصلی نظام بین‌الملل و عملکرد پیچیده این عناصر ترکیبی را بوجود آورده که جهان را از لحاظ قطب‌بندی دگرگون کرده و نظمی را شکل داده که من آنرا «نظم سیال» می‌نامم.

\* در نظم سیال هم‌اکنون چهار موضوع در دستور کار قرار دارد: حقوق بشر، محیط‌زیست، خلع سلاح و تجارت جهانی.

\* رئیس‌جمهوری آتی باید با ارائه برنامه‌ای متناسب، تکلیف خود را با مقوله تجارت جهانی روشن کند. اگر بتواند مبتکرانه سهم کشور را در تسجارت جهانی افزایش دهد رئیس‌جمهوری موفقی خواهد بود والا کشور یک پسرقت هولناک خواهد داشت.

خود را مشخص کنیم.

برای مثال در امنیت دسته‌جمعی و بازارهای منطقه‌ای که دارای مزیت‌های نسبی هستیم شرکت کنیم. البته یکی از مزیت‌های ما، مساله معنویت و ارزش‌های متعالی اسلامی است. اما این مزیت برای شکوفاشدن و عالمگیرشدن به پایه مادی نیاز دارد. یک کشور پیرامونی و توسعه‌نیافته که دایماً امنیتش تهدید می‌شود و در دور باطل توسعه‌نیافتگی گرفتار است هرگز نمی‌تواند پیام خود را به دنیا عرضه کند. و البته

محدودیت وقت امکان پاسخ به مباحث شرکت‌کنندگان در این جلسه فراهم نیامد، این امر به مفهوم تایید نظرات همه حاضران در جلسه نیست.

**تدبیر:** هدف ما در این میزگرد بیشتر طرح سوالات جدید در مورد مدیریت سیاسی و انتخابات ریاست جمهوری و دریافت پاسخهای لازم است. لذا سعی ما براین است که از بحث متقابل و برخورد فکری افراد و نمایندگان گروهها و جناحهای مختلف سیاسی خودداری شود.

**عباسپور:** باتوجه به محدودیت وقت باید عرض کنم بین این نظام‌های یک قطبی و چندقطبی و بدون قطبی در شرایط فعلی من نظام بدون قطبی یا به‌تعبیر آقای دکتر قادری نظام سیال را مفید می‌دانم زیرا در این نظام بدون قطبی فرصت مناسبتری برای کشورهایی مثل ما وجود دارد که راحت‌تر قدرت و اقتدار پیدا کنند و در نهایت خود تبدیل به قطب می‌شوند ولی در شرایط نهائی امیدوارم نظام یک قطبی داشته باشیم که قطب آنرا جهان اسلام و ایران تشکیل می‌دهد.

این توضیح لازم است که جهان به سمت چندقطبی شدن اقتصادی حرکت می‌کند. ایجاد بازار مشترک کشورهای اسلامی حرکت بسیار ارزنده‌ای است که موجب می‌گردد ایران و سایر کشورهای اسلامی بتوانند با نزدیک شدن به یکدیگر یکی از قطبهای بزرگ اقتصادی دنیا را تشکیل دهند.

**حجاریان:** به‌اعتقاد من در نظام بین‌الملل باید میان وضع ممکن و وضع مطلوب تمایز قائل شد. چون ما دورنمایی از نظام چند قطبی و تک‌قطبی نداریم می‌گوئیم نظم ما در بی‌نظمی است. در واقع باید بین سناریوهای موجود و سناریوهای ممکن تفاوت قایل شد. اصل در سناریوهای ممکن تک‌قطبی بودن است. چرا که قدرت میل به تمرکز دارد و این امر هم اختصاص به یک کشور خاصی ندارد.

به‌عبارت دیگر اگر کشورها نتوانند نیروهای جدیدی را تشکیل دهند و این نظام را به نظام چندقطبی و متکثر قدرت تقسیم کنند، اصل تک‌قطبی بودن خود را خواهد نمایاند و البته به‌عقیده من دو سناریوی مطلوب هم وجود دارد که عبارتست از سناریوی سیال و متکثر.

در تئوریهای امنیت و توسعه این دو مهم و مصلحت ملی (یعنی ثبات و رشد) به‌صورت دسته‌جمعی مطرح می‌شود. اولین مساله ما این است که در قطب‌بندی‌های منطقه‌ای وضعیت

**پورنجاتی:** بعد از تغییر و تحولاتی که به تغییر نظم گذشته انجامید می‌شود این طور تعبیر کرد که یک نوع نظم سیال بر جهان حاکم شده به‌گونه‌ای که اکنون یکتون توازن نسبی قدرت در نظام بین‌المللی بوجود آمده است. شاهد آن ناکامی قطب‌های امریکا و اروپا در ایجاد و اعمال توازن موردنظر خود می‌باشد.

ممکن است این توازن از نظر بعضی پایدار بوده و از دیدگاه عده‌ای پایدار نباشد. من بیشتر به نظریه سیال بودن نظم بین‌المللی گرایش دارم. اگر بخواهیم واقع‌گرایانه باین نظم برخورد کنیم می‌توانیم بیشتر استراتژی حضور موثر خود را دنبال کنیم. واقعیت این است که علاوه بر حوزه‌های چهارگانه چالش متعارفی که در دنیا وجود دارد و برشمرده شد حوزه‌های جدیدی هم به چشم می‌خورد که مورد علاقه انقلاب اسلامی است. برای مثال در عرصه مسایل فرهنگی، در حال حاضر در جهان نوعی بحران معنویت دیده می‌شود که ناشی از خستگی و دلزدگی انسان معاصر از مدرنیسم است. پست مدرنیسم پدیده‌ای است از جنس مدرنیسم اما در سمت و سوی متقابل.

پست مدرنیسم مساله‌ای است که می‌تواند یک حوزه جدی برای گفتگو پیرامون اندیشه‌های انقلابی و اعتقادی و معنوی باشد. انقلاب اسلامی موضوعات مهم و چالش‌فرآوانی برای حضور موثر در عرصه بین‌المللی دارد. هرچند بسیاری از آن موضوعات لزوماً به‌مثابه مشکلات جامعه ما مطرح نباشد. باید وارد عرصه تعارضات نظریه‌پردازانه ایدئولوژیک شویم.

پیشنهاد ما این است که در مناسبات بین‌المللی گرایش فراکنی و به‌تعبیر دیگر جای خالی دادن را مورد توجه قرار دهیم تا بقای موثر خودمان را برای رسیدن به مرز مطلوب آرمانی محفوظ نگاه داریم. بقای موثر در جهت توسعه است و این اصل دیگری است که باید مورد توجه قرار گیرد. به‌اعتقاد من با اجرای این اصل پاره‌ای از ناکارآمدی‌هایی که در مسایل منطقه‌ای و جهانی در عرصه سیاست خارجی ما دیده می‌شود رفع خواهد شد.

**عباسپور:** قبل از پاسخگویی به سوال تدبیر درباره مساله نظم، باید این نکته را یادآوری کنم که شرکت‌کنندگان در این میزگرد صرفاً پاسخ سوالات تدبیر را دادند و متأسفانه فرصتی برای جوابگویی به مباحث پاره‌ای از شرکت‌کنندگان پیش نیامد. لذا تاکید می‌شود که اگر به‌دلیل

جمهوری اسلامی می‌رود که پایه‌های مادی متناسب با اهداف والای معنوی خود را تاسیس کند.

بنابراین مساله این است که حوزه‌ای که بایستی امنیت و توسعه دسته جمعی خود را در آن تعریف کنیم در کجا قرار دارد. آنگاه به شرق داشته باشیم؟، نگاه به غرب برای جذب سرمایه‌های شرکتهای چندملیتی بیاندازیم؟ حوزه تمدن ایرانی و یا حوزه تمدن اسلامی را مطرح نظر قرار دهیم؟

به‌رحال باید معلوم کرد کدام یک از این حوزه‌ها را باید برگزید و متحدین استراتژیک ما چه کشورهایی هستند. به‌اعتقاد من یک سوال مهم از کاندیداهای ریاست جمهوری این است که برای امنیت و توسعه دسته‌جمعی کدامیک از این حوزه‌ها را انتخاب می‌کنند.

**قادری:** نظام سیال به‌معنای بی‌نظمی نیست مخروطی و یک قطبی هم نیست. البته در جامعه آرمانی این احتمال است که نظام، یک قطبی باشد، ولی نظام یک قطبی فقط در یک حالت ممکن است و آن رهبری جهانی است. در قرآن هم به قریترین عظیم یعنی دو قریه و دو کشور اشاره شده است اما تک ابر قدرتی ممکن نیست.

اما اینکه نظم سیال است یعنی یک نظمی دارد و چنانچه در مقام توصیف آن برآییم فلسفه، اقتصاد، نظامی‌گری و حتی هنر هم در آن مطرح می‌شود.

زمانی مقولات نظام بین‌الملل را، قدرتها و ابرقدرتها تعیین می‌کردند و این قدرتها نظام را کاملاً سیاسی می‌کردند اما اکنون نظام بین‌الملل کاملاً سیاسی نیست و مقولات دیگر نظیر اقتصاد، ایدئولوژی، هنر و سایر مقولات به شدت مطرح است.

من فکر می‌کنم دهه آینده، نظام، هم‌چنان سیال خواهد ماند و این نظام سیال در مقام توصیف بود. اما در مقام ارزشی من معتقدم که این نظام خوبست.

اگر آمریکاییها معتقدند که نظام سیال بد است به‌این دلیل است که از نظام سیال زیان می‌بینند. امریکا اینترنت را اختراع می‌کند اما دنیا بیشتر از آمریکاییها از آن بهره‌مند می‌شود.

رئیس جمهوری آینده باید نوع نظام بین‌الملل را مدنظر قرار دهد تا برنامه‌ای که تنظیم می‌کند برآن اساس باشد. نوع نگاه به نظام بین‌الملل، در برنامه تاثیر عمیق و پایه‌ای دارد.

به‌همین جهت من به رئیس‌جمهور آینده توصیه می‌کنم به تئوری نظم سیال نیم‌نگاهی داشته باشد.

**شکوهی:** اینکه ما نتوانستیم در سطح بین‌المللی جایگاه خینی تعریف‌شده‌ای از انقلاب ارائه دهیم و یا نتوانستیم در سطح منطقه، متحدان استراتژیک پیدا کنیم و علی‌رغم تلاشمان موفق نشدیم مشکلات خود را با بسیاری از کشورها حل کنیم، از یک واقعیت عمیق‌تری حکایت دارد.

آن واقعیت این است که یک عزم سیاسی در جمهوری اسلامی ایران حاکم است که این عزم در بسیاری از کشورهای دیگر وجود ندارد. در نتیجه تعریفی که ما از منافع ملی خود و منطقه و جهان اسلام داریم با تعریفی که حاکمان کشورهای دیگر دارند متفاوت است. علت اینکه ما در بسیاری از مذاکرات موفق نمی‌شویم آن است که حاضر نیستیم به شعارها و آرمانهای اصلی ما کمترین صدمه‌ای وارد شود. لذا من این نوع مشکلات و موضعگیریهای خصمانه علیه نظام را ناشی از نقطه ضعف سیاست خارجی کشور نمی‌دانم.

من معتقدم که نظام اسلامی ما شاید بتواند در بعضی از این کشورها تاثیراتی بگذارد و در

نتیجه، کسانی حاکم شوند که عزم سیاسی آنها با ما مشابه باشد. اما این‌طور نیست که دشمن در یک طرف قضیه بایستد و نقش تماشاگر را ایفا کند. برای مثال در ترکیه می‌بینیم جناحی که سطحی‌ترین شعارهای اسلامی را مطرح می‌کند، روی کار آمده و با ایران طرح همکاری و دوستی می‌ریزد و در عین حال به شدیدترین شکل ممکن از سوی لائیک‌های چپ و راست تحت فشار قرار می‌گیرد تا رابطه دوستانه‌اش با ایران تیره شود. بنابراین حتی اگر تمام تلاش خود را بکارگیریم تا مسایل را با همین شیوه‌های دیپلماتیک حل بکنیم، هم‌چنان اعتقاد دارم که ناکام خواهیم ماند. مگر اینکه اعتقاد اصلی‌مان این باشد که با این روشها دفع‌الوقت کنیم. اگر ما توفیق پیدا کنیم در بعضی از این کشورها انقلابات مشابه انقلاب اسلامی به پیروزی برسد و همان عزم سیاسی مشابه ما در آن کشورها هم بوجود آید، در آن صورت همبستگی بین امت اسلام و کشورهای منطقه برای دستیابی به اهداف کلان انقلاب وجود دارد. بااستفاده از اهرم اقتصادی می‌توان از میزان دشمنی‌ها کاست ولی اعتقاد ندارم که با این شیوه بتوانیم جایگاه بسیار برجسته‌ای در نظمی که در حال شکل‌گرفتن است، برای کشور خود ایجاد نماییم.

تدبیر: باسیاس فراوان از تمامی عزیزانی که در این میزگرد شرکت کردند، امیدواریم مسایل و مباحث مطرح‌شده در هر دو بخش میزگرد به روشن‌شدن مفهوم مدیریت سیاسی و فضای انتخابات ریاست جمهوری در کشور کمک کرده و موجب شود خوانندگان گرامی بویژه مدیران جامعه با توجه به شرایط حساس داخلی و اوضاع پیچیده بین‌المللی با مطالعه قبلی و دقت بیشتر، نامزد اصلاح را برای ریاست جمهوری آینده کشور برگزیده تا به یاری خداوند نه تنها در صحنه داخلی، بلکه در عرصه بین‌المللی نیز هم‌چنان مستقل، بالنده و سرافراز تداوم بخش حرکتها و آرمانهای بزرگ انقلاب اسلامی باشیم.

